



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۸۶

جمعه ۲۱ آبان ۱۳۹۵، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۶

علل و پیامدهای انتخاب ترامپ

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۳

سازماندهی حزبی در جنبشهای اجتماعی

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی
(بخش اول)

صفحه ۵

مانور وحشت از جنبش کارگری، این بار در تانکستان

شهلا دانشفر

صفحه ۷

انتخابات آمریکا: منجلاب ترامپ و باتلاق واشنگتن

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

در حمایت از مردم ترکیه

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

سخنرانی و گفت و شنود:

کشتارهای دهه شصت

یوتبوری (سوئد) - ۱۲ نوامبر ۲۰۱۶

صفحه ۸

سخنرانی در ونکوور، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶

کمونیسم در قرن بیست و یک!

سخنران: حمید تقوایی

رئوس بحث: ویژگیهای کمونیسم قرن بیستم / پایان "سوسیالیسم موجود" و بی افقی سرمایه داری / رشد تکنولوژی ارتباطاتی و تحول در مکانیسم های مبارزه طبقاتی / چپ اجتماعی در قرن حاضر / شرایط ویژه منطقه و ایران و چالشهای چپ / موقعیت کمونیسم در ایران

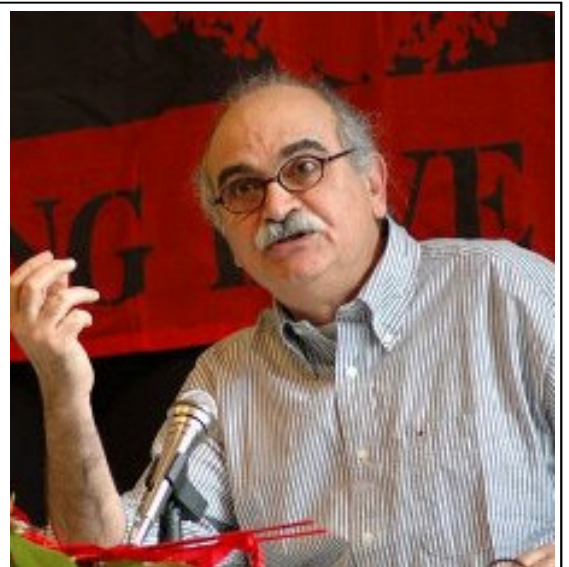
زمان: یکشنبه ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶، از ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر

مکان: راوند هاوس کامیونیتی سنتر، اتاق مولتی مدیا

Address: 181 Roundhouse Mews, Vancouver, BC V6Z 2W3

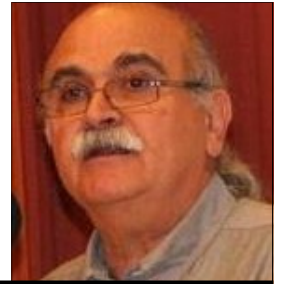
حزب کمونیست کارگری- واحد غرب کانادا

تلفن: ۶۰۴۲۵۹۵۴۱



علل و پیامدهای انتخاب ترامپ

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی



کیوان جاوید: ترامپ بر خلاف تمام نظرسنجی‌ها به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد. دلیل این امر چیست؟

حمید تقوایی: ترامپ کسی است که راست‌ترین سیاستها و رایسستی‌ترین نظرات و مواضع علیه زنان و پناهندگان و سیاهپوستان را نمایندگی میکند و بهمین خاطر منفور بخش وسیعی از مردم آمریکا است و نظرسنجی‌ها نشان میداد که انتخاب نخواهد شد. در رای همگانی و سراسری هم کلینتون رای بیشتری آورد ولی چون رئیس‌جمهور در آمریکا بر اساس سهمیه بندی ایالتی تعیین میشود بر این مینا ترامپ انتخاب شد. اما در همین سطح هم کسانی که به ترامپ رای دادند به رایسبم و یا مواضع ضد زن و ضد خارجی او رای ندادند. ترامپ بعنوان نماینده و عامل تغییر خودش را معرفی کرد. علیه سیستم حکومتی، علیه بقول خودش "باتلاق واشنگتن"، و علیه سیاستمداران کهنه کار از هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه تبلیغ میکرد و موضع میگرفت و ادعا میکرد که خودش خارج از سیستم است، در سیاست نبوده است و مقام و منصبی نداشته است و بنابراین میتواند سیستم را تغییر دهد و "باتلاق را خشک کند" و غیره. به نظر من رای به ترامپ یک رای سلبی بود که نارضایی گسترده مردم از وضع موجود را نشان میدهد. علت اصلی انتخاب ترامپ این بود.

کیوان جاوید: همانطور که اشاره کردید ترامپ انتقاداتی را به سیستم وارد کرد. آیا واقعا ترامپ میتواند و یا میخواهد با سیستم مقابله کند؟

حمید تقوایی: مقابله ای در کار نیست ولی طبیعا ترامپ

بدمت بیاورد.

کیوان جاوید: اجازه بدهید به سیاست خارجی ترامپ بپردازیم. آیا ترامپ میخواهد برگردد به بوشیسم و دوره قدر قدرتی آمریکا در دهه بعد از فروپاشی شوروی؟

حمید تقوایی: ترامپ چنین ادعائی دارد. وقتی از "بازگرداندن عظمت آمریکا" صحبت میکند منظورش همین احیای قدر قدرتی آمریکا است. ولی این امر با ادعا حاصل نمیشود. قدرت آمریکا بخصوص در دهه دوم قرن حاضر در خاورمیانه و در همه جای دنیا رو به افول داشته است. این نتیجه سیاستهای اوایما نبود. بوشیسم و میلیتاریسم و جینگوئیسم دولت آمریکا بطور واقعی در خاورمیانه شکست خورد. ماشین نظامی آمریکا به گل نشست و از طرف دیگر بعد از بحران سال ۲۰۰۸ دیگر دولت آمریکا از نظر اقتصادی هم توان و امکان ادامه سیاستهای میلیتاریستی را نداشت. همه این عوامل باعث شد که سیاست میلیتاریستی جای خودش را به سیاستهای دیگر و اتکا بر دیپلماسی بدهد که اوایما نمایندگی میکرد. ترامپ بعنوان مستنقد وضع موجود با سیاستهای خارجی اوایما هم مخالف است ولی بهیچوجه از نظر عینی و عملی امکانپذیر نیست که دوباره دوره قدر قدرتی آمریکا در دوران جنگ سرد و یا حتی سیاستهای میلیتاریستی دوره بوش را احیا کند. این نوع ادعاها تنها به معنی آنست که در عرصه سیاست خارجی ترامپ تلاش خواهد کرد سیاستهای تعرضی تر و با خودسری و فعال مایشائی بیشتری، آنطور که مثلا در دوره بوش بود، را دنبال کند. کما اینکه برای ناتو هم خط و نشانهایی کشیده است

و شرط و شروطی گذاشته است. اما عملا حتی در همین سطح محدود هم سیاست خارجی آمریکا تغییر چندانی نخواهد کرد.

کیوان جاوید: در مورد رابطه با جمهوری اسلامی چطور؟ آیا سیاست آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی تغییر خواهد کرد؟

حمید تقوایی: تا آنجا که به برجام و توافق هسته ای مربوط میشود این توافقی با شورای امنیت و با امضای سازمان ملل است و کار ساده ای نیست که ترامپ بخواهد یکجانبه آنرا لغو کند. ولی این امکان وجود دارد که تحریمهای بیشتری بطور یکجانبه و از طرف دولت آمریکا به بهانه های مختلفی مثل نقض بندهائی از برجام و غیره اعمال بشود. از سوی دیگر چنین به نظر میرسد که ترامپ رابطه گرم تر و نزدیکتری با روسیه خواهد داشت و به این اعتبار رابطه دولت آمریکا با بلوک روسیه در خاورمیانه که جمهوری اسلامی نیز جزئی از آنست متعادل تر خواهد شد. ولی در هر حال به نظر من سیاستهایی که امروز دولت آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی و در عراق و سوریه دنبال میکند تغییر چندانی نخواهد کرد. تنها باید انتظار داشت که تا آنجا که به برجام مربوط میشود سیاستهای سختگیرانه تری در دستور دولت آمریکا قرار بگیرد.

کیوان جاوید: بعنوان آخرین سؤال راه خلاصی مردم آمریکا از این وضعیت چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من این انتخابات یکبار دیگر نشان داد که دموکراسی نیابتی و رجوع به مردم هر چهار سال یکبار چقدر پوچ است و از صندوق رای میتواند چه لجن و تعفن بیرون بزند. از صندوق رای نمیتواند راست ترین و ضد انسانی ترین مواضع و سیاستهای رایسستی و سکسیستی، و ضدیت با خدمات اجتماعی و هر نوع بهبود و پیشرفت در زندگی انسانها بیرون بیاید. این تجربه یکبار دیگر، همانطور که جنبش اشغال اعلام کرد، نشان داد که آزادی از صندوق رای بیرون نمی آید. از انتخابات تغییرات اساسی نمیتوان انتظار داشت. به نظر من راه حل در دست جنبشهای چپ و رادیکال اجتماعی است. حرکتی شبیه آنچه در جنبش اشغال شاهد بودیم. منتهی سیاسی تر و متحرک تر و با نمایندگان و چهره های سیاسی تر و برجسته تری. زمینه های این حرکت را امروز در خود آمریکا میبینیم. مطرح شدن کسی مثل برنی ساندز که برای اولین بار در یک کمپین انتخاباتی در آمریکا خودش را سوسیالیست معرفی کرد و محبوب شد و یا مطرح شدن کسی مثل جرمی کوربین در انگلیس با تازاب و انعکاس شکل گرفتن یک نوع چپ اجتماعی است. این افراد سیاستمدارانی هستند که تحت فشار چپ اجتماعی به جلو رانده شده اند. این چپ باید قدرت بگیرد، گسترده تر بشود، بخصوص خودش سازمان بدهد و متحرک بشود. حلقه اصلی به نظر من پیشرویهای این جنبش اجتماعی چپ در نقد کل وضعیت و نظام موجود است.

سایت حزب:

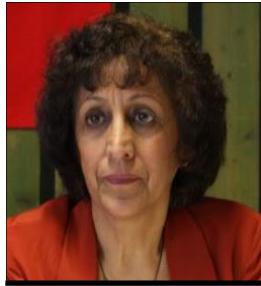
www.wpiran.org

صفحه فیس بوکی حزب

<https://www.facebook.com/wpiran/>

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



بازنگری فرار گیرد و در آن بندهایی که به ضرر کارگران است حذف و کل طرح با هدف افزایش حقوق کارگران تغییر پیدا کند. بدین ترتیب بود که اعتصاب قدرتمند کارگران با موفقیت پایان یافت.

اعتصاب ۱۵۰۰ کارگر شرکت قالب سازی سایپا نمونه قابل توجهی از فضای اعتراض در محیط های پر جنب و جوش کارگری است.

راهپیمایی کارگران هپکو در وسط شهر اراک

روزهای ۱۵ و ۱۶ آبان ماه، کارگران اعتصابی کارخانه ماشین سازی هپکو برای چندمین بار در سطح شهر اراک دست به راهپیمایی زدند. مارش کارگران هپکو از مسیر شرکت تا مرکز شهر اراک، فضای و چهره دیگری به شهر داده و همه جا بحث بر سر اعتراض کارگران و خواستههایشان بود. اراک از جمله شهرهای صنعتی ایران است که بنا بر گزارشات منتشر شده از لحاظ گوناگونی محصولات صنعتی، نخستین و از لحاظ وجود صنایع مادر، دومین و به طور کلی چهارمین قطب صنعتی ایران محسوب می شود. کارخانجات هپکو، آونگان، املاح معدنی ایران، آذراب، شرکت آلومینیوم ایران، نورد آلومینیم (آلومرول)، شرکت ماشین سازی اراک، کمباین سازی، و کارخانه واگن پارس) از جمله صنایع اساسی واقع در اراک است. و اینها همه مراکزی هستند که همواره کانون های داغ اعتراض در جنبش کارگری

و مدیریت شرکت به جای اقدام به پرداخت بن ماکارونی و روغن مایع و چیزهایی از این قبیل کرد و همزمان پرداخت مساعده و حقوقهای ماهیانه نیز بطور مداوم با تاخیر انجام و فضای امنیتی بر شرکت حاکم شد. بدنبال این وضعیت زمزمه اعتراض در میان کارگران شرکت قالبهای صنعتی سایپا بالا گرفت و مدیریت شرکت پیشدستی کرده و یک هفته دیگر فرصت خواست. با پایان این فرصت مدیریت با وقاحت تمام دست به توزیع ده کیلو برنج به ازای هر کارگر زد. با این امید که فضای اعتراض را بخواباند و بخشی از کارگران را متزلزل کند. اما این اقدام با خشم کارگران روبرو شد. بدنبال آن دور جدید اعتراض این کارگران از ۱۷ آبان و با شش خواست مشخص افزایش حقوق پرسنل شرکت و پیمانکار (زیر ۱۲ سال)، شارژ مرتب ماهیانه بن کارت، با مبلغ مشخص، پرداخت آکورد ماهیانه بطور مرتب و مستمر، تسریع در ادامه روند بازتنشستگی پرسنل و تسریع در پرداخت یک و نیم سال حق سنوات به تعویق افتاده پرسنل بازتنشسته، پرداخت بدهی شرکت به تعاونی مصرف و تغییر وضعیت کارکنان پیمانکار و روز مزد به قرار دادی شروع شد.

مدیریت به جای افزایش حقوقها اقدام به پرداخت بن ماکارونی و روغن مایع و چیزهایی از این قبیل کرد و همزمان پرداخت مساعده و حقوقهای ماهیانه نیز بطور مداوم با تاخیر انجام و فضای امنیتی بر شرکت حاکم شد. بدنبال این وضعیت زمزمه اعتراض در میان کارگران شرکت قالبهای صنعتی سایپا بالا گرفت و مدیریت شرکت پیشدستی کرده و یک هفته دیگر فرصت خواست. با پایان این فرصت مدیریت با وقاحت تمام دست به توزیع ده کیلو برنج به ازای هر کارگر زد. با این امید که فضای اعتراض را بخواباند و بخشی از کارگران را متزلزل کند. اما این اقدام با خشم کارگران روبرو شد. بدنبال آن دور جدید اعتراض این کارگران از ۱۷ آبان و با شش خواست مشخص افزایش حقوق پرسنل شرکت و پیمانکار (زیر ۱۲ سال)، شارژ مرتب ماهیانه بن کارت، با مبلغ مشخص، پرداخت آکورد ماهیانه بطور مرتب و مستمر، تسریع در ادامه روند بازتنشستگی پرسنل و تسریع در پرداخت یک و نیم سال حق سنوات به تعویق افتاده پرسنل بازتنشسته، پرداخت بدهی شرکت به تعاونی مصرف و تغییر وضعیت کارکنان پیمانکار و روز مزد به قرار دادی شروع شد.

این خواستها بیش از پیش نشانه اتحاد صف کل کارگران از جمله کارگران رسمی، قراردادی و بازتنشسته و یک رمز مهم موفقیت کارگران در این اعتراضات بود. در این حرکت اعتراضی کارگران با فریاد "افزایش حقوقها حق مسلم ماست"، خواستار برکناری مدیریت شدند. در مقابل این حرکت متحد کارگران مسئولین شرکت سرمایه اقدام به تشکیل جلسه کردند. در این جلسه ده نفر از سوی کارگران و سه نفر از مدیران ارشد سایپا شرکت داشتند

اعتصاب ۱۵۰۰ کارگر شرکت قالبهای سایپا با شعار "افزایش حقوقها حق مسلم ماست"، راهپیمایی کارگران هپکو در وسط شهر اراک، ادامه اعتراض کارگران علیه لایحه "اصلاح قانون کار" و دستگیری اسماعیل عبدی و تائیدی دیگر بر کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، از جمله خبرها و مسائل مهم کارگری در هفته گذشته است. نگاهی به این سرتیترها داشته باشیم.

۱۵۰۰ کارگر شرکت قالبهای سایپا با شعار "افزایش حقوقها حق مسلم ماست"

اعتصاب و تجمع ۱۵۰۰ کارگر شرکت قالبهای صنعتی سایپا (در تهران) که از صبح ۱۷ آبان شروع شده بود، در ظهر هجدهم آبان ماه با موفقیت پایان یافت. یک نکته قابل توجه در این حرکت اعتراضی سردادن شعار "افزایش حقوقها حق مسلم ماست"، از سوی کارگران است و این خواست همه کارگران و بخش عظیم حقوق بگیران در جامعه است.

بنا بر خبرها کارگران شرکت قالبهای سایپا از اواخر سال گذشته، خواهان افزایش حقوق ماهیانه خود شده بودند و مدیریت اعلام کرده بود پس از تعیین حداقل مزد سال ۹۵، راسا مبلغی به دستمزد آنان اضافه خواهد کرد. اما با آغاز سال جدید و بدقولی مدیریت، در فروردین ماه کارگران یکی از سالنهای تولیدی به مدت دو روز دست به اعتصاب زدند و مدیریت نگران از گسترش این حرکت اعتراضی به سایر قسمتها، تحت عنوان اینکه افزایش مزد نیاز به هماهنگی با شرکت مادر (شرکت سایپا) دارد، درخواست سه ماه مهلت کرد. کارگران به اعتصابشان موقتا خاتمه دادند، اما در این مدت

بوده اند. کارخانجاتی که اساسا با دردها و مشکلات واحدی روبرویند. راهپیمایی کارگران کارخانه هپکو در وسط چنین شهر مهم صنعتی که بخش زیادی از مردم آن خانواده های کارگرانی هستند که در همین کارخانجات شاغلند، تاثیر مهمی بر فضای شهر دارد. اراک یکی از شهرهایی است که جمهوری اسلامی در گزارشاتش از آن به عنوان کانون بحران یاد کرده است. همبستگی مراکز کارگری در این شهر در مبارزاتشان با یکدیگر، شرکت فعال خانواده های کارگری در اعتراضات جاری کارگری و حمایت مردم از مبارزات برحق کارگران همه و همه نقش مهمی در قدرتیابی این اعتراضات دارد. اخبار این اعتراضات را وسیعاً انعکاس دهیم.

کارگران در اعتراض علیه لایحه "اصلاح قانون کار"

اعتراض علیه لایحه "اصلاح قانون کار" ادامه دارد. فشار این اعتراضات را در اظهارات هر روزه مقامات حکومتی و گفته های ضد و تقیض اعضای "کمیسیون اجتماعی مجلس" میشود دید. از یکطرف از خارج شدن این لایحه از دستور کار مجلس میگویند و از سوی دیگر فردی چون ابوالحسن فیروزآبادی، قائم مقام وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی از ادامه بررسی لایحه اصلاح قانون کار خبر میدهد.

لایحه "اصلاح قانون کار" لایحه بردگی بیشتر کارگران و تشدید تحمیل ریاضت اقتصادی

صفحه ۴



کارگران در هفته ای که ... از صفحه ۳

برگرده کارگران است. هم اکنون کارزاری علیه این لایحه در جریان است. در این کارزار کارگران نه تنها خواستار لغو این لایحه شده اند، بلکه بر خواستهایی چون افزایش دستمزدها، لغو قراردادهای موقت و داشتن یک زندگی انسانی تاکید کرده اند. زیر فشار این کارزار دولت با استیصال تمام در قانون کار چاپ سال ۹۵، دو بند ح و ز که دست کارفرمایان برای اخراج کارگران و ارزان سازی نیروی کار را باز میگذارد، جعلی وارد کرد، اما هوشیاری تشکیلی چون اتحادیه آزاد کارگران ایران و روشدن این رسوایی، به طرز ابلهانه ای منکر همه چیز شدند. یکی از اقدامات اعتراضی علیه لایحه اصلاح قانون کار "طوماری

اعتراضی است که از سوی سندیکای شرکت واحد منتشر شده است. در این هفته سندیکای کارگران نقش طی بیانیه ای حمایت خود را از این طومار اعلام کرد. در بخشی از این پیام چنین آمده است: "سندیکای نقاشان استان البرز ضمن حمایت از بیانیه اخیر سندیکای کارگران شرکت واحد (۵ آبان ۱۳۹۵) در اعتراض به تغییرات قانون کار و درخواست امضای طومار اعتراض به لایحه، جمع آوری طومار را تنها گام اولیه برای اطلاع رسانی و افشاکاری نسبت به طرح هایی همچون «اصلاحیه» قانون کار می داند و از آن پشتیبانی می کند».

لایحه اصلاح قانون کار" بر روی میز کمیسیون اجتماعی مجلس است. با اعتراضی سراسری و به هر شکلی که میتوانیم، تلاش کنیم که این

بیانیه را به عقب زنیم. در عین حال اکنون که بحث بر سر قانون کار داغ است، آنهم در متن پر از اعتراض در جنبش اعتراضی کارگری، بهترین فرصت است که با خواستههای سراسری خود به جلو بیاییم. تعرض رژیم اسلامی تحت عنوان اصلاح قانون کار" را با تعرضی سراسری و با خواستهایی چون حق تشکل، حق اعتصاب، افزایش فوری دستمزدها، برخورداری کارگران و کل جامعه از درمان رایگان و تحصیل رایگان و پایان دادن به سیاست امنیتی کردن مبارزات کارگران و کل جامعه پاسخ دهیم.

**دستگیری اسماعیل عبدی،
تاکیدی دیگر بر کارزار علیه
امنیتی کردن مبارزات**
صبح روز ۱۹ آبان اسماعیل عبدی، دبیر کل کانون صنفی معلمان، در منزل شخصی اش در

کرج بازداشت شد. عبدی معلم معترضی است که تحت عنوان «اجماع و تبانی علیه امنیت ملی» به شش سال زندان محکوم شده است. حکم صادره برای اسماعیل عبدی نمونه دیگری از احکام امنیتی علیه فعالین اجتماعی است که هم اکنون کارزاری علیه آن در جریان است. در این کارزار معلمان و کارگران کنار هم ایستاده اند و بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد و اسماعیل عبدی نقطه شروع این اتحاد مبارزاتی بود. این کمپین اکنون در دفاع از اسماعیل عبدی و محمود بهشتی و احکام صادره برای جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد جاری است. ادامه قلمرو این کارزار یک گام مهم برای معلمان برای پیگیری خواستههایشان و خواست خاتمه دادن به امنیتی کردن آموزش و پرورش است. گفتنی

است که در همین هفته رضا شهبانی یکی دیگر از چهره های شناخته شده کارگری به زندان احضار شده است. و این درحالیست که جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و شاپور احسانی راد عضو دیگر هیات مدیره این اتحادیه به ۱۱ سال زندان محکوم شده اند و تقاضای دادرسی جعفر عظیم زاده برای ۶ سال حکم زندانی که قبلا به او داده شده بود، رد شد. جدا از همه اینها فعالینی چون رضا شهبانی، محمود بهشتی، ابراهیم مددی و داود رضوی نیز با اتهاماتی از همین دست حکم زندان گرفته اند. این اتفاقات همگی تاکیدی دیگر بر پیشبرد قدرتمند کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات مان و خواست لغو تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی است.

انتخابات آمریکا: منجلاب ترامپ و باتلاق واشنگتن

انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا قبل از هر چیز نشاندهنده ناراضی عمیق مردم آمریکا از وضع موجود و سیستم حکومتی در آن کشور است.

ترامپ یکی از راست ترین، راسیست ترین، سکسیست ترین، شونیست ترین و عوامفریب ترین اشخاصی است که به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شده است. اما مردم به این دلایل نبود که به او رای دادند. او در کمپین انتخاباتی اش خود را علیه سیستم موجود، از الیت سیاسی و سیاستمداران کهنه کار از هر دو حزب گرفته تا رسانه ها و مطبوعات و تا لای ایسم و "باتلاق واشنگتن" و سیستم تقلبی انتخابات و غیره، معرفی کرد. او تنها کانید ریاست جمهوری در تاریخ آمریکا بود که هیچ سابقه و مقام سیاسی و یا نظامی نداشت و بعنوان فردی "خارج از سیستم" و خارج از باتلاق واشنگتن و علیه سیستم و احزاب و سیاستمداران کهنه کار پا به مبارزه انتخاباتی میگذاشت. رای به ترامپ رای نه به وضع موجود، و حاصل نارضایتی وسیع از احزاب و الیت

سیاسی حاکم و سیستم حکومتی در آمریکا بود. این رای مردمی است که از وضع موجود ناراضی اند اما راه درست و انتخاب اصولی در پیش روی خود نمی بینند و به بیراهه میروند.

انتخاب ترامپ بسیاری از ناظرین و تحلیلگران سیاسی و رسانه ها و حتی خود حزب جمهوریخواه را غافلگیر کرد اما پدیده ترامپ و موفقیتش امری ابتدا به ساکن و رعنلی در آسمان بی ابر نبود. ترامپ و عقب ماندگی و ارتجاع و فاشیسمی که نمایندگی میکند، محصول بحران عمیق سیاسی - اقتصادی و بی افقی اجتماعی و ایدئولوژیک بورژوازی حاکم در آمریکا و در کل غرب است. در چنین شرایطی احزاب و نیروهای میانه رو و سنتی بورژوازی نفوذ و موقعیت خود را از دست میدهند و زمینه برای بمیدان آمدن احزاب و کاراکترهای اولترا راست از یکسو و احزاب و نیروهای چپ از سوی دیگر فراهم میشود. هم اکنون در اروپا شاهد فعال شدن احزاب و نیروهای سیاسی از هر دو قطب هستیم و در انتخابات اخیر

آمریکا نیز همین نیروها بمیدان آمدند. برنی ساندرز بعنوان چپ ترین کانید از حزب دموکرات و یک فرد معترض به قدرت وال استریت و سلطه یک درصیهای حاکم به انتخابات وارد شد و نفوذ و محبوبیت وسیعی کسب کرد اما خط رسمی حزب دموکرات توانست با اتکا به مکانیسمهای داخلی اش از ورود او به مرحله دوم انتخابات جلوگیری کند. و به این ترتیب مردمی که خواهان تغییر وضع موجود بودند ناگزیر شدند بین کلینتون، یک سیاستمدار کهنه کار و چهره و نماینده سیستم حکومتی، و ترامپ منتقد وضع موجود از یک موضع راست افراطی یکی را انتخاب کنند. و مردم به تغییر سیستم موجود رای دادند.

اما تغییراتی که ترامپ قصد انجامش را دارد تماما ارتجاعی و در جهت منافع یک درصیهای حاکم و هم پالکی های میلیاردی خود اوست و اگر با مقابله قدرتمند اکثریت محروم جامعه مواجه نشود، کارگران و زنان و سیاهپوستان و در یک کلام نود و نه درصیهای آمریکا دوران سختی را پیش رو خواهند داشت. تاثیر انتخاب ترامپ در

سطح جهانی نیز مطرح شدن بیشتر و سر بلند کردن نیروهای راست و راسیست بویژه در اروپا خواهد بود.

رئیس جمهور شدن ترامپ نشانه اوج تعفن سرمایه داری عصر ما است. این تجربه یک بار دیگر نشان میدهد که در غیاب احزاب و نیروها و جنبشهای اجتماعی رادیکال و چپ و سوسیالیستی، حتی میل و گرایش به تغییر در میان مردم میتواند به نفع ارتجاعی ترین نیروهای بورژوازی تمام بشود. این تجربه همچنین نشاندهنده آنست که راه رهائی از سیستم و نظام حکومتی موجود انتخابات است. نیست. انتخابات آمریکا این را هم بیش از پیش ثابت کرد که سیستم های انتخاباتی حاکم از اساس طوری طراحی شده که نمیتواند به نفع مردم عمل کند. همانطور که جنبش اشغال اعلام کرد آزادی از صندوق رای بیرون نمی آید. راه حل مردم شکل دادن به اعتراض و جنبش اجتماعی چپ علیه یک درصیهای حاکم با پرچم رفاه و آزادی و برابری است. نفس اینکه کسی مثل برنی ساندرز با گفتن و ادعای سوسیالیسم وارد

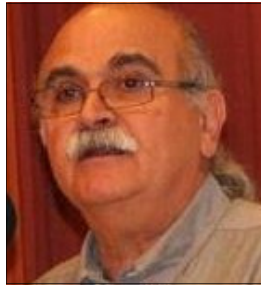
مبارزه انتخاباتی در آمریکا میشود و نفوذ و محبوبیت میلیونی کسب میکند نشاندهنده آنست که شرایط برای شکل گیری یک جنبش رادیکال با نقد و افق سوسیالیستی از نظر اجتماعی فراهم است.

در یکی دوساله اخیر در انگلیس و یونان و دیگر کشورهای اروپایی نیز شاهد شکل گیری یک گفتمان و جنبش و جریان اجتماعی چپ هستیم. این جنبش میتواند و باید تعمیق و گسترده بشود، خود را متحزب کند و سلطه سیاسی و اقتصادی بورژوازی را بجالش بکشد. در غیاب چنین جنبش و نیروی، بورژوازی بحران زده بیش از پیش جهان را به فقهرا خواهد برد. انتخابات اخیر آمریکا یکبار دیگر بر این حقیقت تاکید کرد که دنیا بدون بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم منجلابی بیش نخواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ آبان ۱۳۹۵، ۹ نوامبر ۲۰۱۶

سازماندهی حزبی در جنبشهای اجتماعی

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی
(بخش اول)



شهلا دانشفور: ما تا کنون در بحثهای مختلف بر فعالیت در جنبشهای اجتماعی تاکید کرده ایم. اولین سؤال اینست که سازمان حزبی در این جنبشها چگونه شکل میگیرد؟

حمید تقوائی: وقتی ما بر جنبشهای اجتماعی تاکید میکنیم طبعاً اولین فرضمان اینست که چنین جنبشهایی در سطح گسترده ای وجود دارد. بخصوص وقتی تحولات چند سال اخیر را مد نظر قرار بدهید متوجه میشوید که جامعه ایران جامعه ای پر جنب و جوش است و در عرصه های مختلف مردم به بیحقوقی ها و تبعیضات اعتراض میکنند. بعنوان نمونه جنبش کارگری را در نظر بگیرید. به نظر من جنبش کارگری در چندسال اخیر باندازه چند دهه گذشته فعال بوده است. بر سر خواستها و مسائل مختلف، افزایش دستمزدها، حق تشکل، دفاع از کارگران زندانی، رفع اتهامات امنیتی از پرونده فعالین کارگری و فعالین جنبش معلمان، علییه قانون کار ارتجاعی جمهوری اسلامی، قراردادهای سفید امضا و غیره و غیره. در همه این سطوح ما شاهد تحرک و جنب و جوش بیسابقه ای در جنبش کارگری هستیم. در عرصه های دیگر هم اعتراضات مستمر و پیگیری در جریان است. یک مساله مهم تبعیض جنسیتی و آپارتاید جنسی است که به یک جنبش وسیع و ممتد برای رهائی زن در ایران شکل داده است. عرصه دیگر مبارزه جوانان برای برخورداری از یک زندگی شاد و مدرن برای خلاصی فرهنگی است و همچنین جنبشهای اجتماعی بر سر موضوعات مشخصی نظیر آزادی زندانیان سیاسی و دفاع از حقوق کودکان و علیه مجازات اعدام و علیه

قوانین و اخلاقیات و تابوهای عقب مانده مذهبی و تبعیض نسبت به افراد منسوب به مذاهب و ملیتهای دیگر و غیره و غیره. جامعه مدام در حال جوش و خروش است و همیشه یک بخش جامعه در عرصه های مختلف مشغول اعتراض به وضع موجود و بچالش کشیدن جمهوری اسلامی است.

برای سازماندهی حزبی باید از این واقعیت شروع کرد. رکن و محور سیاست سازماندهی حزبی ما دخالتگری، فعالیت، و تاثیرگذاری بر این جنبشهای اجتماعی است. سازمان حزبی سازمانی است که در دل این تحرک و جنب و جوش شکل میگیرد. فعالین جنبشهای مختلف که خود را فعالین صنفی و یا مدنی و یا سیاسی مینامند در صف اول این تحرک اجتماعی قرار دارند. اینان بخش کوچکی از جامعه هستند ولی حلقه اصلی برای به حرکت در آوردن توده مردم همین پیشروان هستند. فردائی که انقلاب شکل بگیرد اینها نقش تعیین کننده ای در شکل دادن به تحولات خواهند داشت. اینها در صف مقدم خواهند بود. در شرایط انقلابی این فعالین در شهر و در محیط زندگی و کار خودشان ارتباطات اجتماعی گسترده ای پیدا خواهند کرد و چون خواستها و حرف دل مردم را مطرح میکرده اند بسیاری از آنان به چهره های شناخته شده و محبوبی در نزد توده مردم تبدیل خواهند شد. چهره های قابل اعتمادی که در شرایط انقلابی میتوانند بخشهای وسیعی از مردم را به حرکت درآورند. به این اعتبار سازماندهی حزبی از طریق و در دل جنبشهای اجتماعی به معنی سازمان دادن یک تشکیلات فعال پیشروی و در صف مقدم مبارزات امروز و انقلاب فردا در

جامعه است. تنها چنین حزبی قادر خواهد بود در تحولات انقلاب نقش تعیین کننده ای ایفا کند. ازینرو باید تاکید کرد که هم از نقطه نظر مبارزات جاری و خواستها و مطالبات برحق امروز مردم و هم از نقطه نظر پیشروی و پیروزی انقلاب آتی، فعالیت و تاثیر گذاری و نقش مستقیم حزب در جنبشهای اجتماعی جاری و سازماندهی حزب بر این مبنا امری بسیار تعیین کننده و حیاتی است.

شهلا دانشفور: شکی نیست که عرصه های مبارزات اجتماعی عرصه های نبرد طبقاتی هستند علیه مصائب سرمایه داری در جامعه و باید در این مبارزات شرکت کرد. اما این سؤال مطرح میشود که فعالین این جنبشها برای خواستهای معینی فعالیت میکنند. یکی در اعتراض علیه اعدام فعال میشود و به این دلیل به حزب نزدیک میشود و دیگری بخاطر دفاع از حقوق زنان و غیره. فعالین چنین اعتراضاتی عضو حزب میشوند ولی این حزب کمونیسم کارگری است و قرار است حزب فعالین کمونیست و سوسیالیست باشد. آیا این مساله مشکلی ایجاد نمیکند؟ چطور این مساله را توضیح میدهید؟

حمید تقوائی: به نظر من فعالیت در جنبشهای اجتماعی اولین گام و تنها راه سازماندهی کمونیستها در یک سطح گسترده اجتماعی است. این درست است که ممکنست کسانی که در این عرصه ها فعال هستند امرشان صرفاً همان امر معین باشد (مثلاً مخالفت با اعدام و یا اعتراض به بی حقوقی زن و غیره) ولی هرکسی که برای یک خواست انسانی و ضد تبعیض و بر حق مبارزه میکند جایش در حزب ما است.

برنامه حزب ما، برنامه یک دنیای بهتر، کیفرخواستی است علیه همه این مصائب و تبعیضات که مطالبات و اهداف روشن و رادیکالی را در هر زمینه مطرح میکند. بنابراین هر کس در هر یک از این عرصه ها فعال است میتواند به حزب بپیوندد. از نقطه نظر حزب این اولین قدم برای پیوستن افراد به نقد و اعتراض و مبارزه سوسیالیستی است.

سؤال اصلی اینجاست که حزب باید چه نقشی ایفا نماید و چطور فعالیت کند که چنین اکتیویستهایی به مبارزین امر سوسیالیسم تبدیل بشوند. جواب به این سؤال با توجه به شرایط عینی اجتماعی و همچنین سیاستهایی که حزب آگاهانه دنبال میکنند روشن است. همانطور که شما هم اشاره کردید ریشه و اساس همه این مصائب اجتماعی نظام سرمایه داری است. بطور عینی و واقعی امروز در جامعه ایران و در هر کشور دیگری این نظام سرمایه داری است که عامل بیحقوقی زن و تبعیض جنسی است، عامل بیحقوقی کارگر است، عامل فقر و بی تامین اقتصادی است و عامل انواع مصائب و تبعیضاتی است که به بخشهای مختلف مردم تحمیل شده است. عدلت اینست که در ایران یک حکومت مذهبی فوق ارتجاعی حاکم است پاسداری از منافع طبقه سرمایه دار است و همه شاهدیم که چطور آیت الله های میلیاردر و اعوان و انصارشان و اطرافیان و ابستگانشان بر منابع ثروت جامعه دست انداخته اند، سوده های نجومی به جیب میزنند و اکثریت عظیم جامعه را به زیر خط فقر و بیحقوقی مفرط رانده اند. اگر زنان و اعدام و سرکوب و تحمیل انواع بیحقوقیها بر جامعه حاکم است به این دلیل است که منافع اقلیت مفتخور سرمایه دار حفظ بشود. این در مورد همه جوامع امروز صادق است ولی این قطبندی میان صف سرمایه و کار در ایران بسیار شدید و بارز و برجسته است. در یکسو یک حکومت اسلامی قرار دارد که قوانین و شرایط قرون وسطانی را بر جامعه حاکم کرده است و در سوی دیگر جامعه معترضی است که

به این شرایط تن نمیدهد و آنرا نمی پذیرد و مدام در حال مبارزه و اعتراض علیه این وضعیت است. فعالین عرصه های مختلف ممکن است بر این رابطه واقعی بین سلطه سرمایه و مسائلی که علیه اش مبارزه میکنند آگاه نباشند و اکثرشان هم این آگاهی را ندارند. کسی که به امر معینی مثلاً اعدام اعتراض دارد و میخواهد مجازات اعدام لغو بشود، و یا کسی که علیه آپارتاید جنسی و مثلاً برای شرکت زنان در عرصه های ورزشی و فعالیتهای اجتماعی مبارزه میکند، ممکن است نقد و اعتراضش از همان عرصه معین فراتر نرود. ولی وقتی حزب با نقد ریشه ای مسائل جامعه و یک تبیین و توضیح عمیق و رادیکال از وضعیت و علت و اساس مصائب و تبعیضات مختلف به سراغ فعالین برود آنان دید عمیق تر و همه جانبه تری پیدا خواهند کرد و به ریشه مساله معینی که با آن درگیر هستند پی خواهند برد و راه حل واقعی و انسانی آنرا در خواهند یافت. در خواهند یافت که بمنظور اینکه واقعا زن آزاد بشود، و مجازات اعدام ملغی بشود، برای آنکه سیستم قضائی وحشیانه جمهوری اسلامی جای خودش را به یک سیستم قضائی عادلانه بدهد، برای آنکه نه تنها دستمزدها زیر خط فقر و بیکاری و گرانی و بی تامینی اقتصادی بر بیافتند بلکه استثمار و بردگی مزدی ملغی بشود، به همه این دلایل باید دست به ریشه برد و سرمایه داری را برانداخت. اشاعه اجتماعی این نقد سوسیالیستی امری آکادمیک و تئوریک نیست بلکه امری سیاسی-مبارزاتی است. بر متن و در روند جنبشهای اعتراضی جاری است که فعالین آنها به نقد سوسیالیستی وضع موجود پی میسوزند و به آگاهی سوسیالیستی دست می یابند.

از نظر سازماندهی این روند به این معنی است که حزب از جذب افرادی که هر یک بخاطر امر معین خودشان مشغول مبارزه هستند شروع میکند ولی اینجا متوقف نمیشود. دخالتگری حزب در مبارزات یک دخالتگری

سازماندهی حزبی در جنبشهای اجتماعی

از صفحه ۵

پاسیو و فقط حمایت از این جنبش نیست بلکه نقش و هدف ما تاثیرگذار و رادیکالیزه کردن و تعمیق این مبارزات است. در این پروسه فعال رهائی زن و یا علیه اعدا و بخصوص در جنبش کارگری فعال مبارزه برای افزایش دستمزد یا امر اعتراض به قانون کار اسلامی، تبدیل میشود به مبارز ضد سرمایه و فعال امر سوسیالیسم. این روندی است که در دل مبارزه و در دل جامعه شکل میگیرد. در یک مقیاس کلان اجتماعی کمونیست و سوسیالیست شدن افراد امری نیست که در کتابخانه ها و از طریق ترویج نظری مارکسیسم رخ بدهد. کمونیست و سوسیالیست شدن و علیه سرمایه داری مبارزه کردن و با آرمان سوسیالیسم خود را تاعی کردن و برای این آرمان جنگیدن در دل مبارزه صورت میگیرد. ممکن است یک فعال جنبش علیه اعدا تنها در همین عرصه فعال باشد ولی وقتی به حزب پیوست و در کوران مبارزه حزبی به نقد سوسیالیستی وضع موجود رسید آنوقت اکتیویست رادیکال تر و همه جانبه تر و پیشروتر و موفق تر و محبوب تری در همان عرصه، در امر مبارزه علیه اعدا خواهد بود. امروز خیلی ها علیه اعدا اعتراض میکنند ولی شعار اعدا قتل عمد دولتی است، تبیین و توضیح ضرورت اعدا در رابطه با حفظ منافع یک درصدی های حاکم و اینکه چطور یک اقلیت مفتخور سرمایه دار به اعدا نیاز دارد تا قدرت و بساط چپاول خودش را حفظ کند، این فقط تبیین و نقد کمونیستها است و فعال جنبش علیه اعدا که به این نقد و تبیین مجهز شده است یک مبارز پیشرو و پیگیر و موثرتری در مبارزه علیه اعدا خواهد بود. این مکانیسم واقعی است که حزب بعنوان یک حزب کمونیست و با آرمان سوسیالیسم در جنبشهای اجتماعی مختلف مطرح و محبوب میشود و عضوگیری میکند و گسترش پیدا میکند و به سازمان خودش شکل میدهد.

شهلا دانشفر: معمولا این تصور

وجود دارد که سازماندهی حزبی سازماندهی در محیط کار و زیست است و جنب / فرد به حزب هم از طریق تبلیغ و ترویج و سازماندهی صورت میگیرد. توضیحاتی که شما دادید تصویر دیگر از سازماندهی حزبی نیست میبهد. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: امروز محل کار و زیست معنای بسیار وسیعتری از گذشته پیدا کرده است. بعنوان نمونه اگر جنبش کارگری را در نظر بگیرید می بینید یک شبکه سراسری از فعالین در جنبش کارگری شکل گرفته است. در مبارزات جاری معلمان نیز این امر صادق است. محیط کار و زیست تبدیل شده است به آن عرصه مبارزاتی و امر معین در کل جامعه. مثلا مبارزه برای افزایش دستمزد و طومار چهل هزار امضا که به همت اتحادیه آزاد شکل گرفت بهیچوجه به یک کارخانه و یا محله و حتی یک شهر محدود نبود. امری سراسری بود. مبارزه جاری معلمان هم سراسری است و حتی کانون صنفی معلمان خصلتی سراسری دارد. امکانات فنی امروز مثل مدیای اجتماعی و کانالهای تلویزیونی ۲۴ ساعته که نیروهای اپوزیسیون مثل حزب ما از آن برخوردارند و غیره اجازه داده است که فعالین در یک سطح گسترده اجتماعی با یکدیگر و با جامعه ارتباط برقرار کنند. و این باعث میشود ابعاد فعالیت مبارزاتی و اجتماعی دیگر در چارچوب محیط زیست و محیط کار به معنی محدود کلمه باقی نماند و سراسری بشود. حتی در خارج کشور تاثیر این امر را مشاهده میکنید. فعالین ایرانی و غیر ایرانی در خارج کشور در ارتباط با فعالین در داخل قیام میکنند و مبارزات آنان را منعکس میکنند و اعلام حمایت میکنند و به این ترتیب جنبشهای اعتراضی در داخل ایران حتی انعکاس و ابعادی فراکشوری پیدا میکنند. در چنین شرایطی اگر کسی بخواهد محل کار و زیست را به معنی محدود محله یا کارخانه معین تعریف کند از واقعیت جا

مانده است. این امر به این معنی نیست که فعالیت در محیط کار و زیست بی اهمیت است. حتما کارگر فعالی که در یک کارخانه و واحد تولیدی کار میکند و یا دانشجویی که در یک دانشگاه و یا محیط تحصیلی فعال است و یا زن خانه داری که علیه تبعیض جنسیتی فعالیت میکند اینها همه با افراد پیرامونی خود مستقیما ارتباط دارند و لذا هر مبارزه معینی دارای بعدی جغرافیائی در چارچوب محل کار و زیست هم هست ولی اساس و محور کار این نیست بلکه از این چهارچوب بسیار فراتر میروند. بخصوص مدیای اجتماعی کمک میکند که همفکران و معترضین و همزمان و کسانی که برای امر واحد و مشترکی مبارزه میکنند مستقل از اینکه کجای ایران و یا حتی جهان باشند بتوانند با همدیگر ارتباط برقرار کنند و اعتراض و مبارزه هماهنگ و سازمانیافته ای را در یک مقیاس گسترده اجتماعی به پیش برند. نکته بعدی که به آن اشاره کردید یعنی فرمول تبلیغ ترویج و سازماندهی و اینکه گویا برای سازماندهی کمونیستی ابتدا باید تهییج و آگاهگری کرد و افراد را به حرکت در آورد و بعد سازمان داد این هم دیگر با واقعیات امروز خوانائی ندارد. به نظر من در هیچ دوره ای این فرمول به معنی مکانیکی و قدم بقدم اول تهییج، بعد ترویج، بعد سازماندهی مطرح نبوده است. همیشه در هر جامعه ای در عرصه های مختلف، بویژه در جنبش کارگری، فعالینی وجود دارند که مشغول مبارزه و اعتراض هستند. حتی در دوره اختناق آریامهری محافل کارگری و آژیتاتورها و رهبران عملی کارگری فعال بودند چه برسند به امروز که جنبش کارگری یکی از فعالترین و پر تحرک ترین دوران خود را میگذراند. این در مورد جنبشهای اعتراضی دیگر نیز صادق است. بنابراین هیچوقت و بویژه در شرایط امروز ایران موضوع سازماندهی ما نمیتواند کسانی باشند که لازم باشد شما اول آنها را آژیته کنید و آگاه کنید و به مبارزه بکشانید و بعد

سازمانشان بدهید! بطور واقعی در نود و نه درصد موارد این اتفاق نمی افتد. موضوع کار شما اساسا کسانی هستند که فی الحال ناراضی و معترض هستند، به وضع موجود تن نمیدهند و برای تغییر آن دست بکار شده اند و مشغول فعالیتی هستند. یک سازماندهی کمونیست با اکتیویستها روبروست و اساس و محور کار او سازماندهی در دل حرکتهای اعتراضی جاری است. باید از سازماندهی حرکت شروع کرد و همانطور که توضیح دادم درک و نظر و نقد فعالین را دل و بر متن مبارزه تعمیق کرد و ارتقا داد. آگاهگری سوسیالیستی خود جزئی از تعمیق مبارزه فعالینی است که هر یک به جنبه ای از بیحقوقیها و مصائب و تبعیضات جامعه سرمایه داری معترض هستند. این اساس سازماندهی کمونیستی هم در جنبش کارگری و هم سایر جنبشهای اجتماعی است. طبعاً وجود یک گرایش قوی کمونیستی و نقد و اعتراض سوسیالیستی در جنبش کارگری را باید فرض گرفت. بخش اعظم فعالین جنبش کارگری یا فی الحال تبیین و درک و نقد سوسیالیستی به وضعیت موجود دارند و یا اگر چنین نباشد بخاطر رودرویی مستقیمشان با کارفرما و صاحبان سرمایه از بخشهای دیگر جامعه برای پذیرش سوسیالیسم بسیار آماده تر هستند. ولی آرمان و افق سوسیالیسم تنها به جنبش کارگری محدود نیست. در جنبشهای دیگر اجتماعی هم نقد سوسیالیستی و آرمان سوسیالیسم موضوعیت و مطلوبیت دارد چون بویژه در شرایط امروز نود و نه درصد جامعه بطور عینی از سلطه یک درصدیهای سرمایه دار در رنج است و بالقوه میتوانند در کنار طبقه کارگر قرار بگیرند و در آرمان و افق سوسیالیسم رهائی و آزادی خود را باز بشناسد و دست به ریشه ببرد.

در هر حال اساس بحث اینست که در مقابله با همه مصائب جامعه سرمایه داری موضوع کار ما سازماندهی افرادی نیست که ساکن و راکد نشسته اند و ناظر اوضاع هستند و فقط میتوانند با تهییج و آگاهگری به

حرکت در بیایند. این تصور و تلقی غلطی از سازماندهی کمونیستی است. بخصوص در شرایط سیاسی و اجتماعی امروز ایران که با یک جامعه معترض و متحرک روبرو هستیم سازماندهی کمونیستی یعنی سازماندهی این حرکت. یعنی تعمیق این حرکت، یعنی بردن سیاستهای کمونیستی و افق سوسیالیسم در این حرکت.

بنابراین اگر بخواهیم همان اصطلاحات قدیمی را بکار ببریم بجای تبلیغ ترویج سازماندهی بهترست بگوئیم سازماندهی، تبلیغ ترویج. و سازماندهی در محیط کار و زیست هم بهترست بگوئیم سازماندهی در محیط اعتراض و سازماندهی شبکه های اعتراضی که معمولا از محدوده جغرافیائی فراتر میروند و بعد سراسری پیدا میکنند.

شهلا دانشفر: یک تصویر و تلقی ای وجود دارد مبنی بر اینکه در جنبشهای اجتماعی فعالیت میکنند و سیاستمداران را میبریم و در عین حال همفکران خودمان را جمع میکنیم و به سازمان حزب شکل میدهم، شما با این تصویر چقدر موافقت میکنید؟

حمید تقوایی: این در کل تبیین درستی است اما این نکته که همفکران خودمان را پیدا میکنیم دقیق نیست. باید گفت همزمان خودمان را پیدا میکنیم و آنها را به همفکران تبدیل میکنیم. این تصور درست و واقعی تری است. همانطور که توضیح دادم ما از سر مبارزه و حرکت و عمل شروع میکنیم و فرض ما اینست که این فعالیت و مبارزه همواره در جامعه جریان دارد. بخصوص این مشاهده هر کسی هست که با شرایط امروز ایران اندک آشنائی ای داشته باشد. ما از فعالین و اکتیویستها در عرصه های مختلف شروع میکنیم. هر آنها همزمان ما هستند. هر کس به هر گوشه ای از مصائب جامعه سرمایه داری اعتراض داشته باشد همزمان ما است. کسی که برای رهائی زن و مثلا علیه حجاب و یا برای حضور زنان در عرصه های ورزشی مبارزه میکند، کسی که علیه اعدا فعال است و یا

سازماندهی حزبی در جنبشهای اجتماعی

از صفحه ۶

برسند.

شهلا دانشفر: در جزوه چگونگی با حزب کمونیست کارگری فعالیت کنید ما همین موضوع را تحت عنوان ایجاد شبکه های حزبی در درون جنبشهای اعتراضی توضیح داده ایم که شما اینجا مساله را باز کردید. نکات متعددی باقیمانده از جمله مساله وجود گرایشهای مختلف در جنبشهای اعتراضی و نحوه برخورد ما با این گرایشهاست که امیدوارم در برنامه آتی در این مورد صحبت کنیم. در وقت محدودی که باقیمانده اگر تاکید ویژه ای دارید و یا بعنوان جمع بندی میخواهید توضیحاتی بدهید لطفا مطرح کنید.

حمید تقوایی: بطور خلاصه تاکید ما اینست که سازمان حزبی در دل جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه و ضد تبعیض شکل میگیرد. به این معنی که ما در این مبارزات شرکت میکنیم، با فعالین این مبارزات ارتباط برقرار میکنیم، و حقانیت نقد کمونیستی و مطلوبیت سوسیالیسم را به آنان نشان میدهم. در هر نبرد معین و در عمل نشان میدهم که کمونیستها مبارزین پیگیر در هر عرصه مبارزه هستند و میتوانند رهبر بحق و شایسته مبارزه برای آن امر معین باشند و میتوانند آنرا به پیروزی برسانند. در این روند و در این پروسه هست که حزب شکل میگیرد. در این روند است که یک حزب کمونیستی فعال و دخالتگر و موثر و سیاسی و مربوط به جامعه و مربوط به اعتراضات و مربوط تحولات سیاسی شکل میگیرد و نفوذ اجتماعی کسب میکند. بطور خیلی خلاصه و فشرده منظور ما از سازماندهی حزبی در دل جنبشهای اجتماعی و اعتراضی تاکید بر این تئوریک و سیاست مشخص در امر سازماندهی است.

مانور وحشت از جنبش کارگری، این بار در تاجکستان

شهلا دانشفر



تاجکستان برپا میشود. جمهوری اسلامی از یکسو مانور وحشت به پا میکند و از سوی دیگر میکوشد تا فشارش را بر روی رهبران کارگری و فعالین جنبشهای اجتماعی شدد دهد، تا اعتراضات کل جامعه را عقب زند. در مقابل کارگران نیز دارند صف اعتراضات سراسری خود را شکل میدهند و جنبشهای اجتماعی هر روز بیشتر شکل میگیرد و به جلو می آید. از جمله علیه سرکوبگرهای حکومت، کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران و فعالین جنبشهای اجتماعی در جریان است. در مقابل طرحهای تعرضی ای چون "اصلاح قانون کار"، جنبشی به راه افتاده است و کارگران با بیانیه هایشان، با تجمعات و طومارهای اعتراضی شان به مقابله با آن برخاسته اند و نیز محیط های کارگری هر روز در اعتراض و مبارزه است و کارگران با پیش کشیدن خواستههای سراسری ای چون افزایش فوری دستمزدها به رقم بالای خط فقر در گام اول، درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه، لغو قراردادهای پیمایی و موقت و با جنبش های اعتراضی شان دارند هر روز سازمان یافته تر به جلو می آیند. نکته مهم اینجاست که صف خودمان را در عرصه های مهم نبردمان متحد تر کنیم. جواب تعرضات حکومت اسلامی و مانورهای وحشتش را باید با اعتراضات قدرتمند سراسری داد.

این نمایشات بیش از هر چیز قدرت جنبشهای اعتراضی مردم و وحشتت جمهوری اسلامی از اعتراضات گسترده و هر روزه کارگری را به نمایش میگذارد.

کافیست که نگاهی به محیط های کارگری و به فضای ملتهب جامعه بکنید و ببیند که اینهمه وحشت از چیست؟ وحشت اینان از کارگری است که فریاد بلند است و میگوید افزایش حقوقها حق مسلم ماست. وحشت اینان از معلمی است که با شعار خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون، علیه فقر و فلاکت و اقتصاد مقاومتی شان ایستاده است. وحشت اینان از بازنشسته ایست که جمع میشود و خواستار درمان رایگان است. وحشت اینان از مردمیست که به حقوق های نجومی و دزدی های سران حاکمیت اعتراض دارند و حق و حقوقشان را میخواهند. وحشت اینان از زنان معترضی است که با جنبش حجاب برگیران کاری کرده اند، که در میان حکومتیان بحث بیهوده بودن اجباری کردن حجاب به راه افتاده است، و وحشت اینان از له شدن هر روزه قوانین ارتجاعی اسلامی زیر پای مردم معترض است. زیر فشار این جنبش است که سعید مرتضوی مهره مخلص و عزیز کرده شان را حکم شلاق داده اند. زیر فشار این جنبش است که هر روز رقمی دیگر از دزدیهایشان رو میشود، زیر فشار این جنبش است که خودشان پرونده جنایاتشان را بیرون کشیده و به جان هم افتاده اند، و زیر فشار این جنبش است که ماجرای سعید طوسی ها و تجاوزه به کودکان "قاریان قرآن" میروند که دامن بیت رهبری شان را هم بگیرد. در چنین وضعیتی اسفناکی است که مانور "حامیان ولایت" و رزمایش

بنا بر گزارشات حکومتی طی روزهای ۷ و ۸ آبان رزمایش "مدافعان حریم ولایت" با حضور شش گردان در سطح شهر تاجکستان و منطقه عمومی عاشق حصار تاجکستان برگزار شد. این نمایش مسخره ایست که در شهرهای مختلف دیگر نیز به بازی گذاشته شده است. بنا بر خبر در "رزمایش تاجکستان" بیش از هزار و پانصد بسیجی را به خط کردند، تا مثلاً خود را در برابر "شورش فرضی" کارگران آبدیده کنند. در روز دوم این "رزمایش" مثنی از مقامات ریز و درشت شهر چون امام جمعه تاجکستان، فرماندار، نماینده مجلس اسلامی در این شهر، فرمانده نیروی انتظامی و مسئولین شهرستانی حضور داشتند و این عملیات را در سه منطقه شهرستان با محوریت مقابله با "اغتشاشات" برگزار کردند. جالب اینجاست که از جمله عکسهایی که در دست "اغتشاشگران فرضی شان" دیده میشود، پوسترهایی با شعارهای "کار برای زندگی، نه زندگی برای کار"، حقوق کارگری ما کجاست؟ بود. پوسترهایی که کل داستان را بیان میکند. در مانور مدافعان حریم ولایت در اراک، "اغتشاشگران" آن کارگران و مردمی هستند که در دفاع از معیشتشان به میدان آمده اند و هزار و پانصد بسیجی و مقامات مختلف حکومتی برای مقابله با آنان دست به بازی این نمایش مسخره زده اند.

"در کجای دنیا شنیده اید که حکومتی علیه اکثریت جامعه این چنین آشکارا صف آرایی کند و مانور ضد اغتشاش" به راه اندازد. این نمایشات بطور واقعی نشانه ورشکستگی حکومت در مقابل جامعه ایست که خواستههایی دارد و هر روز دارد با جنبش هایش به جلو می آید.

در حمایت از مردم ترکیه

جامعه ترکیه مورد یک هجوم بیرحمانه قرار گرفته است. چهارماهه است که دولت اردوغان جنگی بیرحمانه و سرکوبگرانه را علیه مردم ترکیه به جریان انداخته است و تلاش دارد به بهانه کودتای ماه ژوئیه کل این کشور را از مخالفین خود پاکسازی کند.

ابعاد دستگیریها و تعرضی که دولت اردوغان به مردم و تشکلهای کارگری و اپوزیسیون و رسانه های این کشور شروع کرده، بسیار وسیع و بی سابقه است. یک دیکتاتوری تمام عیار بر ترکیه حاکم شده است. طی چند ماه گذشته شماری از فعالین کارگری و اتحادیه ای دستگیر شده اند. حدود ۲۰۰ روزنامه، فرستنده تلویزیونی و رادیویی و رسانه های اجتماعی به جرم همکاری با گولنیستها یا پ ک ک بسته شده اند. قریب ۴۰ هزار نفر از جمله هزاران فعال کارگری و اتحادیه ای، و بیش از ۱۵۰ روزنامه نگار دستگیر شده اند. هزاران فعال سیاسی از جمله رهبران مشترک حزب دموکراتیک خلقها یعنی صلاح الدین دمیرتاش و فیگن یوکسداغ به همراه حداقل ده نفر از نمایندگان پارلمانی این حزب دستگیر شده اند. حتی شهرداران منتخب مردم در چند شهر کردستان دستگیر شده اند. حدود ۲۰۰ موسسه انتشاراتی و رسانه ای بسته شده است. بیش از ۱۰۰ دانشگاه و بیمارستان بسته شده است. بیش از ۱۰۰ هزار معلم دانشگاهی و کارکنان خدمات اجتماعی اخراج شده اند. تنها در نیمه اکتبر با یک دستور ۱۰ هزار معلم و آکادمیسین دانشگاهی اخراج شدند. این ارقام هر لحظه در حال افزایش است. دولت اردوغان حتی تمایل خود به بازگرداندن مجازات اعدام را پنهان نمیکند.

دولت اردوغان "وضعیت اضطراری" را که از زمان کودتای ژوئیه برقرار شده بود در ماه اکتبر مجددا تمدید کرد، و راه را برای ادامه یک تازی و تعرض گسترده به مخالفین و مردم هموارتر نمود. حکومت اردوغان و حزب عدالت و توسعه نشان داده است که یکی از محورهای اصلی ارتجاع منطقه است. این حکومتی است که آشکارا حمایت گسترده و فعال از جریان اسلامی آدمخوار داعش را در کارنامه خود ثبت کرده است. این حکومتی است که سالهاست در تلاش است که قوانین اسلامی را بر جامعه ترکیه حاکم کند و دستاوردهای سکولار و دموکراتیک مردم را بازپس گیرد. این حکومت باید با مبارزه و انقلاب مردم ترکیه سرنگون شود. راه دیگری نیست.

جهان نباید نسبت به پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی مردم ترکیه ساکت باشد. آزادی بیان و آزادی احزاب و آزادی اعتراض از حقوق بدیهی، پایه ای و بین المللی تک تک مردم است. حکومتی که این حقوق را پایمال میکند باید مطرود و منزوی شود. باید وسیعا اعتراض کرد. باید صدای نیروهای اپوزیسیون مترقی و چپ و کارگری ترکیه را در جهان بازتاب داد. باید همه دولتها را برای زیر فشار گذاشتن و منزوی کردن دولت اردوغان زیر فشار و مورد بازخواست قرار داد. باید خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و همه دستگیر شدگان ماههای اخیر و بازگشت به کار اخراجی ها شد.

حزب کمونیست کارگری ایران همبستگی خود را با مردم ترکیه اعلام میکند. ما خود را در کنار کارگران و نیروهای مترقی ترکیه میدانیم. ما سیاستهای سرکوبگرانه دولت ترکیه را شدیداً محکوم میکنیم. همه مردم را به مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه دولت اردوغان و حزب اسلامی عدالت و توسعه فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آبان ۱۳۹۵، ۷ نوامبر ۲۰۱۶

سخنرانی و گفت و شنود:

کشتارهای دهه شصت

یتوبوری (سوئد) - ۱۳ نوامبر ۲۰۱۶



سخنرانان:

- علی دماوندی از سازمان راه کارگر
- حسن شمس از حزب کمونیست ایران
- سیاوش دانشور از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
- مینا احدی از حزب کمونیست کارگری ایران

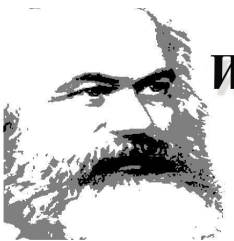
محل جلسه: Folkets Hus Järntorget

با خط های ۱، ۶، ۹، ۹ و ۱۱

شروع جلسه: ساعت ۱:۳۰ تا ۵ بعد از ظهر

ورود به سالن جلسه از ساعت ۱ بعد از ظهر

تلفن تماس: +46 (0)737178819



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: سوسن صابری

مسئول فنی: سهند مطلق

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید